

بسمه تعالی

چکیده ای از مباحث استاد وحدت پیرامون تاثیر واقعی آزمون تئوری و آزمون اسکیس در رتبه نهایی دانشجویان

به کوشش محمد ربیعی

تاثیر واقعی آزمون تئوری و اسکیس در رتبه نهایی

مقدمه:

اساسا ماهیت موفقیت در کنکور کارشناسی ارشد طراحی شهری یک ماهیت رقابتی است که داوطلبانی که شناخت و آمادگی مناسبی را نسبت به این آزمون داشته باشند ضمانت موفقیت آنها پررنگ تر خواهد بود. اما موضوعی که شناخت نسبت به این کنکور را پیچیده تر و گاهی نادرست ساخته است، ماهیت دو بخشی آن می باشد. شناخت این ماهیت و تاثیر واقعی آن کمک بسیاری برای برنامه ریزی موفقیت خواهد نمود.

برای مشخص کردن مسیر موفقیت لازم است ابتدا به تحلیل تاثیر هر کدام از دو بخش تئوری و اسکیس در رتبه نهایی داوطلب پرداخته شود. این نگاه موشکافانه در ابعاد وسیعی، بسیاری از معادلات ذهنی دانشجویان را بر هم می زند. از زمان اعلام نتیجه نهایی قبول شدگان رشته طراحی شهری دانشجویان زیادی از طرق متفاوت با من تماس گرفته اند که چرا نتیجه نهایی من، علی رغم تلاش های شبانه روزی مردود اعلام شده است. پاسخی را که برای اکثر آنها داشتم در دو جمله خلاصه می شد: اول، یا مسیر درستی برای تمرین آمادگی اسکیس خود انتخاب نکرده اند و دوم اینکه احتمالا برنامه ریزی و اطلاعات مناسبی توسط مشاور خود دریافت ننموده اند؛ در حالی که هم هر دو این موضوعات صادق بوده است.

موفقیت نهایی بسیاری از داوطلبان به دلیل درک تاثیر واقعی هر کدام از دو مرحله تئوری و اسکیس و نهایتا برنامه و آموزش درست برای کسب رتبه های نهایی برتر بوده است.

برخی از موسسات که خدمات آزمون تئوری را ارائه می دهند به علت درک نادرست از تاثیر واقعی هر دو بخش تئوری و اسکیس اطلاعات و تحلیل های غلطی را به داوطلب ارائه می دهند که نه تنها توقعات و تصورات نادرستی را ایجاد می کنند که از آن مهم تر برنامه ریزی برای موفقیت نهایی دانشجویان را نیز به مسیر غلط هدایت می کنند. یکی از افتخارات آلتیه طراحی شهری وحدت و همکاران این هست که همه ساله نه تنها درصد های بی نظیری از رتبه های برتر اسکیس ارائه داده است که هر ساله بسیاری از رتبه های بالای ۱۰۰ در آزمون تئوری را به دانشگاه های مطرح گسیل داشته است. تجربه ای که از سال ۸۶ تا کنون داشته ایم این است که تمام کسانی که رتبه برتر اسکیس طراحی شهری بوده اند اکثرا رتبه های بالای ۵۰ و بالای ۱۰۰ و درسال گذشته

بالای ۴۰۰ نیز بوده است. موفقیت آنها به دلیل درک تاثیر واقعی هر کدام از دو مرحله تئوری و اسکیس و نهایتاً برنامه و آموزش درست برای کسب رتبه های نهایی برتر بوده است.

به فراخور اهمیت موضوع ذکر شده در بالا به تشریح تاثیر واقعی هر دو مرحله آزمون تئوری و اسکیس می پردازیم:

تاثیر عددی ضرایب آزمون تئوری و اسکیس:

آزمون تئوری شامل ۵ درس می باشد که مجموع ضرایب آنها به ۱۱ می رسد. ضریب در نظر گرفته شده برای آزمون اسکیس ۴ می باشد. مجموع نمره این دو بخش رتبه نهایی داوطلب را رقم می زند. به فراخور ضرایب مشخص شده، آزمون تئوری باید معادل $\frac{11}{15}$ نمره یعنی بیش از $\frac{2}{3}$ نمره نهایی را و آزمون اسکیس باید $\frac{4}{15}$ یعنی کمتر از $\frac{1}{3}$ نمره نهایی را به خود اختصاص دهد. اما واقعیت موضوع چیز دیگری است. تاثیر واقعی با اختصاص وزن نمره با هم بسیار متفاوت می باشد. این موضوعی است که ذهن بسیاری از دانشجویان از آن غفلت داشته است؛ و باعث شده است نتوانند توازنی بین دو مرحله برقرار کنند. تاثیرات این درک نادرست نه تنها در رتبه نهایی بلکه از لحاظ روانی نیز بر بسیاری از داوطلبان تاثیرات سوئی داشته است.

تاثیر واقعی عددی ضرایب:

تاثیر آزمون تئوری به فراخور وزن $\frac{2}{3}$ آن نمی باشد. این موضوع به صورت زیر اثبات می گردد:

همانطور که گفته شد نمره تئوری $\frac{11}{15}$ نمره کل می باشد اما در واقعیت این موضوع امکان پذیر نیست. تاثیر $\frac{11}{15}$ تاثیر حداکثری غیر ممکن است. اگر میانگین درصد های رتبه یک در آزمون تئوری در سال های اخیر میانگین گرفته شود مشخص می گردد میانگین درصدهای رتبه های یک در سال های اخیر بین ۶۰ تا ۶۵ درصد بوده است. این به این معنی است که چیزی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد نمره برای همه از بین می رود. یعنی تقریباً حدود $\frac{1}{3}$ نمره آزمون تئوری برای همه داوطلبان از بین می رود پس تاثیر واقعی ضریب به $\frac{1}{3} * \frac{11}{15}$ یعنی حدود $\frac{1}{3}$ تقلیل پیدا می کند.

این در حالی است که در آزمون اسکیس به افراد ۹۸٪ هم تعلق می گیرد به این معنی که اسکیس از لحاظ عددی همان $\frac{1}{3}$ تاثیر خود را تا این قسمت از تحلیل دارا می باشد.

این تقلیل پیدا کردن ضریب عددی تئوری به $\frac{1}{3}$ ، بسیاری از کسانی که تاثیر ظاهری آن را می بینند در تیر رس عدم موفقیت نهایی قرار می دهد.

تاثیر نهایی واقعی دو مرحله تئوری اسکیس:

واقعیت موضوع از این هم جذاب تر و تاثیر گذار تر می باشد. باز برمی گردیم به آمار و ارقام استخراجی از سال های گذشته. در آزمون تئوری جدا از رتبه داوطلب، میانگین درصد کل دروس و تراز داوطلب نیز قابل مشاهده و محاسبه می باشد. نکته حائز اهمیت اینکه میانگین دروس تاثیر زیادی در رتبه نهایی دارد نه رتبه ای که داوطلب تحت عنوان رتبه مرحله اول دریافت می نماید.

اشتباه معمول داوطلبان این است که آنها رتبه مرحله تئوری خود را ملاک و معیار مناسبی برای موفقیت نهایی قلمداد می کنند. اما چه چیزی باعث شده است بسیاری از رتبه های دو رقمی و حتی برخی رتبه های تک رقمی در سال ۹۴ نتوانند در مجموع رتبه زیر ۱۰۰ را به خود اختصاص دهند و حتی بیش از ۴۰ نفر رتبه های دو رقمی هیچ جا پذیرفته نشوند و در روز نهایی با واژه " مردود " روبرو شوند.

پاسخ سوال زیاد هم پیچیده نیست. در ابتدا همانطور که بیان شد، باید پذیرفت که آزمون تئوری حدود $\frac{1}{3}$ تاثیر خود را از دست داده است. این در حالی است که داوطلبان تصور می کنند که تاثیر آن همان تاثیر عددی بیش از $\frac{2}{3}$ می باشد. موضوع بعدی بسیار جذاب تر و تعمق برانگیزتر است. این موضوع به فاصله میانگین درصد ها در آزمون تئوری و اسکیس بر می گردد که بسیار متفاوت می باشد و به فرآخور این فاصله متفاوت درصدها، تاثیرات متفاوتی در نتیجه نهایی داوطلب خواهد داشت.

فاصله درصد ها را به صورت زیر بیان می کنیم. در آزمون تئوری میانگین درصد دروس را حساب می کنیم و در آزمون اسکیس درصد اسکیس را. این فاصله را همان تلورانس می نامیم.

با توجه به درصد سال های گذشته اگر میانگین درصد های رتبه یک تئوری را ۶۵٪ باشد تقریباً میانگین درصدهای رتبه ۵۰ در تئوری حدود ۵۸٪، میانگین درصدهای رتبه ۱۰۰ تقریباً ۵۸٪، میانگین درصد های رتبه ۲۰۰ تقریباً ۴۸٪ و میانگین درصدهای رتبه ۴۰۰ تقریباً ۳۵٪ می باشد.

حال اگر پراکندگی اختلاف ها صرف نظر کنیم می بینیم که بین رتبه یک تئوری و رتبه ۴۰۰ تئوری چیزی معادل ۳۰٪ اختلاف می باشد. یعنی به صورت متوسط، تلورانس یا همان جابجایی تغییرات ۳۰ به ۴۰۰ یعنی حدود ۰/۰۷ می باشد. تفسیر این یافته به این صورت است که اگر رتبه ۴۰۰ آزمون تئوری به میزان ۰/۰۷ به میانگین درصد هایش اضافه می کرد می توانست به رتبه ۳۹۹ برسد.

اما اگر بخواهیم تفسیر را به لحاظ واقعی تری ببینیم، مثال زیر موضوع را مشخص تر می کند. اگر داوطلبی بخواهد به میزان X نفر در آزمون تئوری جابجا شود باید این تاثیر را میانگین درصد هایش داشته باشد:

$$\text{ضریب آزمون تئوری (۱۱)} * \text{تلورانس آزمون تئوری (۰/۰۷)} * X$$

یعنی اگر شخصی یک نفر را در آزمون تئوری جابجا کند تاثیر آن با توجه به ضریب آزمون تئوری باید به میزان $۱۱ * ۰/۰۷ * ۱ = ۰/۷۷$ در میانگین درصدهایش جابجایی ایجاد نماید.

اما در آزمون اسکیس تلورانس نمرات به اینگونه نزدیک به هم نمی باشد. به فرآخور اختصاص نمرات ۹۸٪، ۹۷٪ و ۹۶٪ نتیجه اینکه تلورانس آزمون اسکیس معادل ۱ می باشد.

یعنی اگر شخصی یک نفر را در آزمون اسکیس جابجا کند به میزان زیر در میانگین درصد اسکیس با ضریبش تغییر ایجاد می نماید:

ضریب آزمون اسکیس (۴) * تلورانس آزمون اسکیس (۱) * ۱ = ۴

نتیجه اینکه میزان جابجایی یک نفر در آزمون تئوری ۰/۷۷ به میانگین نمره تئوری و میزان جابجایی یک نفر در آزمون اسکیس ۴ واحد به میانگین نمره شما در اسکیس اضافه می کند. این تاثیر شگفت انگیز تلورانس نمره اسکیس است که باعث جابجایی های زیادی در واقعیت نتیجه و رتبه نهایی دانشجو به همراه خواهد داشت.

به این دلیل است که کسانی که رتبه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ در آزمون تئوری داشته اند، به فراخور تاثیر تلورانس نمره اسکیس توانسته اند رتبه نهایی خود را به زیر ۵۰ ارتقا دهند. امری که برای بسیاری از دانشجویان با تفکر نادرست، ناپذیرفتنی جلوه می نماید اما تجربه ارتقا رتبه ۴۰۰ به زیر ۶۰ و نیز عدم قرار گیری رتبه تئوری ۸ در بین ۸۰ نفر نهایی بر این واقعیت مهم صحه می گذارد.

جمع بندی:

این مجال فرصتی بود تا تاثیر واقعی نمره تئوری و اسکیس مورد واکاوی قرار بگیرد. دو نتیجه اساسی از بحث به قرار زیر می باشد:

اولا، علی رغم اینکه در ظاهر ضریب نمره تئوری $\frac{11}{15}$ می باشد اما در واقع به $\frac{1}{4}$ تقلیل می یابد.

دوما و بسیار مهم تر اینکه، جابجایی نمرات در آزمون تئوری و اسکیس با تلورانس کاملا متفاوت صورت می پذیرد. این تلورانس متفاوت باعث می گردد نهایتا بسیاری از رتبه های دو رقمی نتوانند رتبه زیر ۱۰۰ خود را حفظ کنند و در طرف مقابل بسیاری با رتبه بالای ۱۰۰ رتبه نهایی زیر ۲۰ را کسب می نمایند.

امید است با درک اهمیت موثر هر کدام از دو بخش آزمون تئوری و اسکیس داوطلبان بتوانند تصمیمات مناسبی را برای تعادل بخشی بین دو مرحله آزمون اتخاذ نمایند و به موفقیت شایسته خود نایل آیند.

با آرزوی موفقیت شما در کنکور ۹۵

کریم حسینی وحدت

